

سنجش میزان رضایت از زندگی در میان ساکنان مسکن مهر فولادشهر اصفهان

محمد تقی ایمان^۱، مهدی کاوه^۲

چکیده

به نظر می‌رسد که مسأله اصلی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، خلأ شناختی جامعه‌شناسانه و روانشناسانه از نیازهای پیچیده فردی و اجتماعی انسان امروز است. یکی از برنامه‌های توسعه‌ای که در سالهای اخیر به اجرا گذاشته شد، احداث واحدهای مسکن مهر است؛ از این رو با توجه به اهمیت رضایت از زندگی در ثبات، سلامت و کاهش آسیبهای اجتماعی در جامعه، مطالعه این مقوله و شناخت آن در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی ضرورت دارد. بر این اساس هدف این مقاله سنجش میزان رضایتمندی از زندگی در میان ساکنان مسکن مهر است. این مطالعه با روش کمی و با استفاده از پرسشنامه انجام گرفته و جامعه آماری آن شامل همه ساکنان مسکن مهر شهر فولادشهر اصفهان است. حجم نمونه با استفاده از جدول لین با ۹۵٪ اطمینان، و خطای ۵ درصد ۳۸۴ نفر برآورد گردید. یافته‌ها حاکی است که میزان رضایت از زندگی ۲۲/۴ درصد پاسخگویان کم، ۵۱/۸ درصد متوسط و ۲۵/۸ درصد زیاد است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که میان تعلق مکانی ($r=0/593$)، میزان دینداری ($r=0/293$) و سرمایه اجتماعی ($r=0/686$) با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای مشارکت، درآمد، تعلق مکانی، مقطع تحصیلی، هزینه خانواده، بعد پیامدی، محل سکونت قبلی، وضعیت تأهل، سن، بعد عقیدتی، اعتماد اجتماعی، به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد شده‌اند و در مجموع ۸۱ درصد ($R^2=0/81$) از متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: رضایت از زندگی، مسکن مهر، دینداری، سرمایه اجتماعی، تعلق مکانی

مقدمه و بیان مسأله

از مباحث مهم در حوزه جامعه‌شناسی توسعه، بررسی تأثیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی جامعه بر گروه‌های اجتماعی جامعه است. در گستره مطالعات مربوط به توسعه، بررسی مسائل جمعیتی و از جمله شهرنشینی، فصلی مهم به خود اختصاص می‌دهند و «مسکن» به‌عنوان مسأله‌ای اقتصادی-اجتماعی، یکی از اجزایی است که در بررسی‌های مربوط به فرایندهای رشد شهری در جوامع رو به توسعه، همواره یک مشکل پیچیده ارزیابی شده است. در همین چارچوب یکی از برنامه‌های توسعه در سال‌های اخیر که گسترش چشمگیری نیز داشته است، طرح مسکن مهر است. مسأله مسکن در چند دهه اخیر، از مسائل مهم برنامه‌های دولت بوده و خانه‌دار کردن مردم شعار بسیاری از دولت‌ها بوده است. از این رو، مطالعات و بحث‌های بسیاری در مطبوعات و برخی رشته‌های علمی و مراکز تحقیقاتی انجام شده است؛ اما به نظر می‌رسد مسأله اصلی در طراحی فضاهای امروزی، خلأ شناختی جامعه‌شناسانه و روانشناسانه از نیازهای پیچیده فردی و اجتماعی انسان امروز نسبت به محل سکونتش است. طراحان و برنامه‌ریزان شهری برای ارائه فضاهای مطلوب به شناخت دقیق ابعاد اجتماعی زندگی انسان شهرنشین در مراحل مختلف رشد نیاز دارند که خلا این پژوهش‌ها در مطالعات جامعه‌شناسانه به خوبی مشهود است.

با گسترش شهرنشینی و سرعت در ساخت و سازهای جدید که خود منبعث از پیشرفت فن‌آوری و اعتلای سطح زندگی انسان بوده است، شاهد دو نکته متقابل هستیم، از طرفی گسترش بی‌رویه و سرعت در ساخت و سازها تا حدودی جوابگوی نیازهای کمی و مادی زندگی انسان بوده است و از طرف دیگر باعث نزول جنبه‌های کیفی و بعضاً بی‌توجهی به عرصه‌های معنایی، فرهنگی و روانی در زندگی انسان گردیده است، تا آنجا که در دوران معاصر مجدداً جنبه‌های متعالی و معنایی در مقام بازبینی قرار گرفته است (اخوان خرازی، ۱۳۸۷: ۵۲). اما یکی از بزرگترین اهداف اجتماعی و انسانی، ارتقای کیفیت زندگی^۱

است (کرا^۱، ۱۹۸۵؛ اوسوالد^۲، ۱۹۹۷). تحقیقات جامعه‌شناختی کیفیت زندگی را هم به وسیله شاخص‌های عینی و هم شاخص‌های ذهنی در نظر می‌گیرد. شاخص‌های عینی بیرون از شخص قرار دارند و سطوح زندگی مادی از قبیل درآمد و تغذیه را شامل می‌شود. شاخص‌های ذهنی به دنبال آن هستند که اشخاص چگونه کیفیت زندگی‌شان را ارزیابی می‌کنند (استرلین^۳ و انگلسکو^۴، ۲۰۰۷) جامعه‌شناسان معمولاً شاخص ذهنی را به اختصار با عنوان بهزیستی ذهنی^۵ یاد کرده و به عنوان خشنودی یا رضایت از زندگی مفهوم‌سازی می‌کنند (کومینز^۶، ۲۰۰۰؛ دینر^۷ و بیسواس^۸، ۲۰۰۲؛ فرانک^۹ و انکاوا^{۱۰}، ۲۰۰۹: ۳۱۳). رضایت از زندگی، مفهوم فراگیر و در عین حال پایدارتری است که منعکس‌کننده احساس و نظر کلی مردم یک جامعه نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. اهمیت آن نیز از حیث دلالت‌هایی است که بر ویژگی‌های پایدار نظام اجتماعی دارد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

رضایت‌مندی از زندگی زمینه‌ساز تسری رضایت به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و برعکس کاهش رضایت از زندگی، آثار فراوانی در سطح خرد میانه و کلان خواهد داشت. افزایش تنشها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، افسردگی و... از جمله آثار منفی نارضایتی از زندگی در سطح خرد است که در سطح میانه و کلان نیز پیامدهایی چون کاهش روحیه مشارکت‌جویی، تعاون، اعتمادکنندگی، عام‌گرایی و... خواهد داشت (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۳: ۸۶). هدف اصلی این تحقیق سنجش میزان رضایت از زندگی در میان ساکنان مسکن مهر فولادشهر اصفهان

-
- 2 Krau
 - 2 Oswald
 - 3 Esterlin
 - 5 Angelescu
 6. Subjective well being
 - 6 Cummins
 - 7 Dinner
 8. Biswas
 - 9 Frank
 - 10 Enkava

است. چرا که ارزیابی‌های ساکنان از میزان رضایت از زندگی‌شان را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر پروژه شهری مطرح ساخت. فهم رضایتمندی ساکنان، می‌تواند برای تحلیل وضع موجود سکونتی، تصمیمات آتی به منظور ارتقای سطح کیفی محدوده‌های سکونتی افراد و جلوگیری از تکرار نواقص در دیگر مکان‌ها مؤثر واقع گردد.

پیشینه تحقیق

سلیمانی (۱۳۷۳) تحقیقی با عنوان "بررسی رضایتمندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجران ساکن خمینی‌شهر" انجام داده است. وی با استفاده از تئوری آبرهام مازلو^۱ و نظریه مبادله اجتماعی، یک نمونه ۱۴۰ نفری از مهاجران ساکن خمینی‌شهر را مورد مطالعه قرار داده، نتایج او نشان داد که اصولاً در جامعه مورد مطالعه، رضایتمندی افراد از نیازهای سطوح بالا و به عبارتی نیازهای معنوی در حد قابل توجه بوده و کمبودهای افراد و نارضایت‌های آنها بیشتر به نیازهای سطح پایین و به عبارت دیگر نیازهای مادی و فیزیکی مربوط می‌شود.

مقاله‌ای با عنوان "رضایتمندی از زندگی در میان بچه‌های مهاجران در نروژ" توسط لاکلند^۲ (۲۰۰۱) نگاشته شده است، این مقاله در مورد فرزند مهاجران کشورهای شیلی، پاکستان، ترکیه و ویتنام است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرزندان که زمینه مهاجرت قبلی داشتند، دارای رضایت بالاتری از زندگی‌شان بوده‌اند، ولی پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های مهاجران در میزان رضایت دخیلند. فرزند مهاجران شیلی‌یایی دارای بیشترین رضایت از زندگی بوده و فرزندان ویتنامی کمترین میزان رضایت از زندگی را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که عوامل جمعیتی ۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند؛ عوامل شخصی بیش از ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. زندگی

1 maslow

2 Lackland

در میان همسایه‌های هم‌قوم رضایت از زندگی را بالاتر می‌برد. پاکستانی‌ها و ویتنامی‌های مستقر در نروژ ممکن است خودشان را متعلق به اقلیت قومی بدانند و به همین دلیل، هویت قومی برای آنان باعث رضایت بیشتری از زندگی می‌شود (لاکلند، ۵-۲۰۰۱:۱۴).

سرانجام تحقیقی که در سال ۲۰۰۷ به روش مقطعی بر روی ۱۳۳ سالمند ساکن در مؤسسات استانبول و با استفاده از مصاحبه چهره به چهره انجام شد، نشان داد که مشارکت‌کنندگان سالمندی که دارای درآمد متوسط بالایی بودند، به طور متوسط نمره قابل توجه‌تری نسبت به طبقه کم درآمد داشته، از زندگی راضی‌تر بودند. فعالیت‌های منظم فیزیکی و فعالیت‌های اوقات فراغت نیز به طور قابل توجهی با رضایت از زندگی در بین ساکنان مؤسسات ارتباط داشت (اینال^۱ و دیگران، ۲۰۰۷:۱). وایتفورد^۲ نیز معتقد است امروزه شواهد تحقیقی فراوان نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی-اجتماعی تعیین‌کننده رضایت از زندگی هستند، به گونه‌ای که هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی‌تر باشند، رضایت کمتری از زندگی دارند و برعکس هرچه انسجام اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، افراد جامعه از رضایت بیشتری بهره‌مند خواهند بود (وایتفورد، ۲۰۰۰:۲). در مطالعات مختلف رابطه دینداری که یکی از متغیرهای واسطه‌ای این پژوهش است، با رضایتمندی از زندگی در جوامع و قشرهای مختلف سنجیده شده است، مثلاً مایزر^۳ (۲۰۰۰) در یک تحقیق زمینه‌یابی گسترده بر روی ۳۵۰۰ نفر آمریکایی نشان داد که رابطه مثبتی بین شرکت در مراسم مذهبی و رضایت از زندگی وجود دارد. اسوین یارد^۴ و همکاران (۲۰۰۱) نیز نشان دادند که شرکت در مراسم دینی یکی از عوامل تاثیرگذار بر رضایت از زندگی است. همچنین پژوهشی که در ژاپن بر روی سالمندان انجام گرفت نیز نشان داد که بین سطوح بالای رضایت از زندگی و میزان شرکت در مراسم مذهبی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (کروز^۵، ۲۰۰۳). از دیگر عوامل تاثیرگذار بر رضایت از زندگی، سرمایه اجتماعی است.

1 Inal

2 Whitford

3 Myers

4.Swin yard

5 Krause

سابقه مطالعات مربوط به رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی به یک قرن قبل باز می‌گردد و در کار دورکیم درباره خودکشی، می‌توان آن را مشاهده کرد (هالپرن^۱، ۲۰۰۵). تحقیقات بسیار نیز نشان داده‌اند که روابط اجتماعی بالا (به عنوان یکی از معرفهای سرمایه اجتماعی)، همبستگی بالایی با سطوح بالای رضایت از زندگی دارد؛ برای مثال فردی که می‌تواند نام پنج نفر یا بیشتر را به عنوان دوستش ذکر کند، راضی‌تر از کسی است که دوستان چندانی ندارد (سوزا^۲ و لایبومیرسکی^۳، ۲۰۰۱: ۲۲). تحقیقات تجربی در ایران نیز نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد؛ برای مثال، اوتق (۱۳۸۴) در پایان‌نامه خود به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در گنبدکاووس پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داده است که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، علاوه بر این سرمایه اجتماعی بر مبنای چهار سنجه امنیت محلی، بده بستان، تصور درباره محله و عضویت انجمنی، ۳۶ درصد تغییرات کیفیت زندگی را تبیین کرده است. ماجدی و لهسایی زاده (۱۳۸۵) نیز در تحقیقی به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در روستاهای فارس پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان داده است که سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد و سرمایه اجتماعی در مقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل و ... پیش‌بینی کننده بهتری برای رضایت از کیفیت زندگی به شمار می‌رود.

مبانی نظری تحقیق

ادبیات نظری درباره رضایت از زندگی از غنای بسیاری برخوردار است و نظریه پردازان مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. در تبیین این مفهوم از چارچوب‌های نظری مشتعل بر نظریات و تئوری‌های نیاز، محرومیت نسبی^۴، میدانی^۵ لوین، احساس بی عدالتی، مبادله و

1 Halpern

2 Sousa

3 Lymbomirsky

4 Relative deprivation

5. Feild

کنش متقابل استفاده شده است؛ برخی از آنها به دلیل اختصار در جدول شماره (۱) خلاصه شده است.

جدول شماره (۱): برخی دیدگاهها درباره رضایت از زندگی

(اینگلهارت ^۱ ، ۱۳۷۳)	رضایت از زندگی بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی اوست. به بیان دیگر هرچه شکاف میان آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایت او از زندگی کاهش می‌یابد
(کار ^۲ ، ۲۰۰۴)	رضایت از زندگی بسیاری از حیطه‌ها از جمله وضعیت سلامت، توان انجام فعالیت‌های روزمره، وجود فرصتهایی برای دنبال کردن علایق، عملکرد اجتماعی در دوستیها و روابط با دیگران دسترس به منابع مراقبت از سلامتی را در بر می‌گیرد.
(دینر، ۱۹۸۴)	رضایت از زندگی، بیانی کلی از احساسات و نگرش در مورد زندگی فرد در یک دامنه مثبت تا منفی است. رضایت از زندگی به مقایسه شرایط زندگی شخصی به آن معیاری که از نظر او مناسب و استاندارد باشد وابسته است.
(دانون ^۳ و هالپرن، ۲۰۰۲)	رضایت از زندگی یک مقیاس باز-پاسخ و ذهنی از سعادت مردم است. به این دلیل ذهنی است که در بررسیها از مردم پرسیده می‌شود که آیا از زندگی خود راضی هستند یا نه. باز است به این دلیل که محققان از پیش، تعریفی از سعادت اجتماعی ارائه نمی‌دهند، بلکه داوری در مورد رضایت از زندگی به عهده هر شخص است.
(خوارزمی، ۱۳۸۶:۸)	رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع همان احساس خوشنودی است که در پی دستیابی به آن زمانی نه چندان کوتاه را سپری می‌نماید". فلسفه‌ای است که شخص آگاهانه برای زندگی خویش انتخاب کرده و ناخودآگاه آن را در ذهن دارد.
دورکیم ^۴ ، ۱۳۵۹ نقل از رفیع‌پور، ۱۳۷۸	دورکیم در زمینه رابطه میان انسان و نیازها و اهداف یا آرزوهایش معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از راه هنجارها تنظیم و محدود می‌شود و با ازهم پاشیدگی هنجارها (بنابراین از بین رفتن کنترل آرزوها)، انومی یا وضعیت آرزوهای بی حد و حصر ^۵ پدید می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد طبعاً نمی‌توانند ارضا و اشباع شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی ایجاد می‌شود.

1 Inglehart

2 Carr

3 Donovan

4 Unlimited Aspirations

5 Durkheim

دینداری

در مقام تعریف می‌توان گفت که دینداری عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او، سامان می‌پذیرد. به طور خلاصه، دینداری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین اسلام (طالبان، ۱۳۸۰: ۴۹).

دینداری دارای ابعاد و درجات متفاوتی است. از جمله کسانی که با در نظر گرفتن تنوع ابعاد و سطوح دین و دینداری کوشیده‌اند تا ابعاد مختلف دین را تجزیه و تحلیل کنند، می‌توان از الیاده (۱۳۷۵)، مگیر (۱۹۹۷) و گلاک^۱ و استارک^۲ (۱۹۶۵) نام برد. الیاده پنج بعد را در ادیان بازشناسی کرده است که عبارتند از نمادها، رستگاری، شعائر و مناسک، مکانها و اشیای مقدس، و تجربه دینی (الیاده، ۱۳۷۵: ۷۳). مگیر (۱۹۹۷) با رویکردی اجتماعی، چهار بعد اصلی را برای دین در نظر گرفته است که عبارتند از: باورها، مناسک، تجربه دینی و اجتماع مذهبی (به نقل از طالبی، ۱۳۸۰) به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهان به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوتند، دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آن‌ها را به مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارتند از اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۹).

سرمایه اجتماعی

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار گشته است. به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: "روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و نباید تنها به عنوان اجزای ساختارهای

1 Glock

2 Stark

اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۸-۴۶۲).

از نظر پاتنام (۱۹۹۵) در هر سازمان یا گروهی، افراد با مشارکت در امور جمعی و سیاسی و یا عضویت در انسجام و گروه‌های رسمی و یا غیررسمی... سطحی از اعتماد و همدلی و سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند و سپس این سرمایه تولید شده در جنبه‌های دیگر زندگی کاری و اجتماعی آنها اثر می‌گذارد. این گروه‌ها و شبکه‌ها، افراد دارای توانمندیها و تجربه‌های متفاوت را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهند و به این وسیله امکان تبادل مهارتها و اطلاعات را فراهم می‌سازند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۵۶).

سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو (۱۹۸۶) منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از راه حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می‌کند که آنان را مستحق "اعتبار" به معانی مختلف کلمه می‌کند". بنابراین از نظر بوردیو ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی به عضویت در یک گروه اجتماعی بستگی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیا و نهادها بنیان نهاده‌اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت، انجمن، حزب) و مجموعه‌ای کامل از کنشها برای نهادینه کردن، نظیر مبادلات مادی و نمادی تضمین شود. از نظر بوردیو مقدار سرمایه اجتماعی در تملک هر عامل اجتماعی به دو امر وابسته است:

الف) اندازه شبکه ارتباطاتی که عامل اجتماعی به خوبی بتواند آنها را بسیج کند.
ب) مقدار سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی) هر یک از کسانی که عامل اجتماعی با آنها در ارتباط است. او با تصریح تفاوت میان سرمایه اجتماعی با منابع چنین می‌نویسد:
"اگرچه سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تملک هر یک از عاملان، یا

حتی مجموعه کامل عاملانی که با فرد در ارتباط هستند قابل تقلیل نیست، با این حال هرگز به طور کامل از آن مستقل نمی‌باشد" (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۸).

تعلق مکانی

مفهوم حس تعلق مکانی، احساس دلبستگی هر شخص را به زادگاه و محل زندگی خود می‌رساند. حس تعلق مکانی برای بالا بردن و مناسب کردن و نزدیک شدن و همبستگی بین مکانها موثر است و دریافت ویژگیهای محیطی را برای پیش‌بینی و آگاهی از اندازه و اعتبار مکانها و بالابردن قدرت و اهمیت هر مکان و تغییرات در آن به وسیله حس تعلق مکان میسر می‌شود. در مدل جان پانتر^۱ با عنوان مدل حس مکان، محیط شهری به منزله مکانی متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۳). این سه عنصر مواد خام هویت مکانند و دیالکتیک بین آنها روابط ساختاری این هویت است (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۳). به تعبیر کوپر مارکوس^۲ با گذشت زمان و ایجاد علقه فرد با محیط، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود و احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد. به بیان براون و پرکینز^۳ نیز، تعلق مکانی شامل علقه‌های مثبت تجربه شده‌ای است که طی زمان و گاه به صورت ناخودآگاه و بر اساس پیوندهای رفتاری، احساسی و شناختی بین اشخاص و یا گروهها و محیط اجتماعی کالبدی آنها شکل گرفته است. اینگونه علقه‌ها چارچوب هویتی فرد و جامعه را به وجود می‌آورد (رضازاده، ۱۳۸۵: ۲۳۸). اصولاً شناخت این حس کمک خواهد کرد تا زوایای رضایت از زندگی در یک مکان جدید برای ساکنان مشخص گردد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش نظریه جورج زیمل است. او نخستین

1 Panter

2 Cooper Marcus

3 Brown and Perkins

متفکری است که پس از امعان نظر در خصوص کارکرد فیزیکی شهرها، زندگی، حیات و محتوای فرهنگی در کلان‌شهرهای جدید را به عنوان متغیری مستقل وارد بررسی‌های خود می‌کند. ما در این پژوهش با استفاده از دو مفهوم "دلزدگی" و "احتیاط" زیمیل به تبیین رضایت از زندگی با رویکردی جامعه‌شناختی خواهیم پرداخت. زیمیل سعی در فهم این نکته داشت که چگونه ساخت جدید شهری بر ارزشها، باورداشتها و قوانینی که مردم در زندگی خود به کار می‌برند و به طور خلاصه بر فرهنگ و پیامدهای روانی اجتماعی شهرنشینی اثر می‌گذارد. طبق نظر زیمیل افزایش اندازه، تراکم، ناهمگنی سکونتگاهها و همچنین افزایش مبادله بازار غیر شخصی، اثرات فرهنگی و روانشناختی بر ساکنان شهر دارد (ایران محبوب، ۱۳۸۰: ۲۵).

زیمیل در مقاله کلان‌شهر به بحث از شرایطی می‌پردازد که در آن روابط انسان رو به افول می‌گذارد. او در تحلیل به از میان رفتن روابط عاطفی و صمیمانه و تسلط روابط حسابگرانه توجه دارد. فرآیندهایی چون سلطه روزافزون تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط و نوعی سردی روابط را در کلان‌شهر پدید می‌آورد. او برای توصیف سردی روابط دو اصطلاح دلزدگی و احتیاط را به کار می‌گیرد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۶). این دو مفهوم-نگرش دلزده و احتیاط- در تبیین رضایت از زندگی سودمند هستند. اگر رابطه اجتماعی یکی از منابع رضایت از زندگی باشد، انتظار می‌رود در اجتماعات بزرگتر که دلزدگی و احتیاط بیشتر است، رضایت از زندگی کمتر باشد. (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۷۲). از یک طرف روابط اجتماعی که آزادی فردی را به ارمغان می‌آورد مورد تقدیر قرار می‌گیرد و از طرف دیگر نسبت به مسأله بیگانگی^۱ و فقدان پیوستگی افراد حساسیت نشان می‌دهد؛ این مطلب به موضوع دیگری در آثار زیمیل نیز مربوط می‌شود و آن رشد عقلانی‌گرایی یا واقعیت‌گرایی در حیات اجتماعی است هنگامی که روابط غیر رسمی از قبیل قانون، منطق و اندیشه و پول بر آنها حاکم می‌شود. کاربرد این ملاکها آزادی فردی و

عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد و در عین حال ابعاد عاطفی و احساس حیات اجتماعی را کاهش می‌دهد (ترنر و بیگلی، ۱۳۷۰:۳۳۳).

دو خصلت اصلی دزدگی و احتیاط به خوبی این بخش از آرای زیمل را توضیح می‌دهد. دزدگی، نوعی نگرش است که قادر نیست تفاوت اشیا را دریابد. فرد دلزده نمی‌تواند میان پدیده‌ها تمایز قائل شود. همین نگرش در مورد انسان‌های دیگر نیز وجود دارد؛ همه انسانها در یک سطح و بدون تمایز آنها مطرح می‌شوند. زیمل جوهر نگرش دلزده را در کنده شدن قوه ممیزه می‌داند و در علت‌یابی آن به جریان زندگی کلان‌شهری متوسل می‌شود. تغییرات سریع زندگی کلان‌شهری و تأثیرات متنوع و شدید آنها، واکنش‌های سریع و متعددی را می‌طلبد. این جریان به گونه‌ای است که اعصاب آدمی قادر نیست همواره چنین واکنشی را بروز دهد. بنابراین فرد در برابر تحریکات تازه عاجز می‌شود و نیروی در خودی برای مقابله با آنها برای خودش باقی نمی‌ماند. این امر نگرش دلزده را شکل می‌دهد (زیمل، ۱۳۷۲:۵۷). مراد زیمل از احتیاط، دور نگه داشتن خود از دیگران، بی‌اعتنایی به آنها و محدود نگه داشتن رابطه اجتماعی با تعداد محدودی از افراد است. انسان کلان‌شهری به دلیل آنکه نمی‌تواند با تعداد کثیری از افراد ارتباط اجتماعی داشته باشد به ناگزیر خود را محدود می‌کند. زیمل معتقد است این احتیاط فقط بی‌اعتنایی نیست، بلکه نوعی انزجار خفیف در آن نهفته است (زیمل، ۱۳۷۲:۵۲).

مدل تجربی تحقیق

براساس چارچوب نظری و ادبیات تجربی موجود درباره رضایت از زندگی، مدل تجربی تحقیق در قالب شکل زیر ترسیم می‌گردد و فرضیه‌های زیر نیز مورد آزمون قرار خواهد گرفت.



شکل شماره (۱): مدل تجربی تحقیق

- ۱- میانگین رضایت از زندگی به تفکیک جنسیت پاسخگویان با هم متفاوت است.
- ۲- میانگین رضایت از زندگی به تفکیک وضعیت تأهل پاسخگویان با هم متفاوت است.
- ۳- میانگین رضایت از زندگی به تفکیک سطح تحصیلات پاسخگویان با هم متفاوت است.
- ۴- میانگین رضایت از زندگی به تفکیک محل سکونت قبلی پاسخگویان با هم متفاوت است.
- ۵- بین سن و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.
- ۶- بین درآمد خانواده و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.
- ۷- بین هزینه خانواده و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.
- ۸- بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.
- ۹- بین میزان دینداری و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.
- ۱۰- بین تعلق مکانی و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است.

روش تحقیق

چارچوب نظری و فرضیات تحقیق، به کارگیری روش پیمایش را برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بیشتر ایجاب می‌کند. در این تحقیق گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل همه ساکنان مسکن مهر فولادشهر اصفهان هستند که تا تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۰ بالغ بر ۹۵۰۰۰ نفر است. حجم نمونه با استفاده از جدول لین با ۹۵٪ اطمینان و خطای ۵ درصد ۳۸۴ نفر برآورد گردیده و این تعداد با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها

انتخاب شده‌اند.

در این مطالعه، برای اطمینان از اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شده است؛ همچنین برای بررسی همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول شماره (۲): میزان پایایی متغیرها

مقیاسها	رضایت از زندگی	تعلق مکانی	دینداری	سرمایه اجتماعی
قابلیت اعتماد	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ
مقدار ضریب	۰/۹۲۲	۰/۹۱۹	۰/۸۸۷	۰/۷۲۵

برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق به صورت زیر اقدام شده است:

متغیر رضایت از زندگی: منظور، بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی اوست. به بیان دیگر هرچه شکاف میان آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر گردد، رضایت او از زندگی کاهش می‌یابد. این متغیر با استفاده از چندگویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت و در سطح سنجش ترتیبی سنجش شده است.

دینداری: تعریف عملیاتی دینداری براساس مدل گلاک است. علامه محمد تقی جعفری (ره) در ارزیابی مدل گلاک یادآور شده‌اند که این مدل یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندیها در زمینه دین است که می‌توان آن را به تمام ادیان تعمیم داد (ویلیم، ۱۳۷۷). در این مدل ابعاد اصلی دینداری عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی

سرمایه اجتماعی: به دانشها، هنجارها، قواعد و شبکه‌های مشترکی اشاره می‌کند که تجربه جمعی در بین اهالی محل را تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۹۸۸؛ استروم^۱، ۱۹۹۹؛ پاتنام^۲، ۲۰۰۱؛ وولکاک^۳، ۲۰۰۱؛ امندا^۴ و دیگران، ۲۰۱۱: ۶). برای عملیاتی کردن سرمایه

1 Ostom
2 Putnam
3 Woolcock
4 Amenda

اجتماعی از بین شاخص‌های متعدد، شاخص‌های حمایت، اعتماد و مشارکت اجتماعی انتخاب شده است.

تعلق مکانی: ارتباط بین مردم با مکان از طریق مفاهیم متفاوتی توضیح داده می‌شود؛ یکی از این مفاهیم که کاربرد زیادی دارد، مفهوم تعلق به مکان است (پیتون^۱، ۲۰۰۰: ۷). در ادبیات مربوط به این موضوع دو مفهوم تعلق به مکان کارکردی و تعلق به مکان احساسی وجود دارد: الف). تعلق به مکان کارکردی، به توانایی منابع برای پاسخگویی به نیازهای افراد و اهداف آنها اشاره دارد. ب). تعلق به مکان احساسی یا هویت مکانی، به جنبه‌های احساسی ارتباط بین شخص و مکان بر می‌گردد و اینکه چگونه مکان در هویت خود افراد مشارکت می‌کند (همان). در این پژوهش درباره تعلق به مکان از هفت گویه استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

با توجه به گستردگی مطالب و جدول توزیع فراوانی، در اینجا به مواردی از نتایج تحقیق اکتفا می‌شود. توزیع فراوانی نشان می‌دهد که ۴۷/۹ درصد پاسخگویان (۱۸۴ نفر) زن و ۵۲/۱ درصد پاسخگویان (۲۰۰ نفر) مرد هستند. از این میان ۳۲ درصد مجرد و ۶۶/۴ متأهل و ۱/۶ درصد هم مطلقه و یا همسرفوت شده هستند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد که ۲۹/۴ درصد دیپلم و زیر دیپلم، ۹/۶ درصد پاسخگویان در سطح کاردانی، ۴۲/۴ درصد پاسخگویان در سطح کارشناسی، ۱۲/۲ درصد پاسخگویان در سطح کارشناسی ارشد و ۲/۱ درصد در سطح دکتری و ۲/۳ درصد هم دارای تحصیلات حوزوی هستند. توزیع فراوانی جداول بر حسب قومیت نشان می‌دهد که ۷۲/۹ درصد پاسخگویان فارس، ۷/۶ درصد پاسخگویان ترک، ۹/۱ درصد پاسخگویان لر، ۸/۰ درصد پاسخگویان کرد، ۶/۳ درصد پاسخگویان عرب و ۳/۴ درصد پاسخگویان بلوچ

هستند. ۴۰/۹ درصد ساکن مرکز استان، ۴۴ درصد ساکن شهرهای غیر مرکز استان و ۱۵/۱ درصد هم ساکن روستا هستند. ۱۵/۶ درصد پاسخگویان خود را جزو طبقه بالای جامعه می‌دانند، ۳۵/۴ درصد خود را جزو طبقه متوسط و ۴۶/۴ درصد هم خود را جزو طبقات پایین می‌دانند. میانگین هزینه خانواده‌ها ۷۲۰۰۰۰ تومان و درآمد آنها معادل ۹۰۱۰۰۰ تومان است.

داده‌های جدول شماره (۳) که توزیع فراوانی و درصد میزان رضایت از زندگی میان ساکنان مسکن مهر را نشان می‌دهد، بیانگر این است که ۸۶ نفر، برابر با ۲۲/۴ درصد دارای رضایت کم از زندگی، ۱۹۹ نفر، برابر با ۵۱/۸ درصد دارای رضایت متوسط از زندگی و ۹۹ نفر، برابر با ۲۵/۸ درصد دارای رضایت زیاد از زندگی هستند.

همچنین بر اساس جدول شماره (۳) که توزیع فراوانی و درصد میزان سرمایه اجتماعی میان ساکنان مسکن مهر را نشان می‌دهد، بیانگر این است که ۱۴۷ نفر، برابر با ۳۸/۳ درصد دارای سرمایه اجتماعی کم، ۱۵۰ نفر، برابر با ۳۹/۱ درصد دارای سرمایه اجتماعی متوسط و ۸۳ نفر، برابر با ۲۱/۶ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد هستند.

همچنین داده‌های جدول شماره (۳) که توزیع فراوانی و درصد میزان دینداری میان ساکنان مسکن مهر را نشان می‌دهد، بیانگر این است که ۱۴۴ نفر، برابر با ۳۷/۹ درصد دارای میزان دینداری کم، ۱۴۹ نفر، برابر با ۳۹/۹ درصد دارای میزان دینداری متوسط، ۸۵ نفر، برابر با ۲۲/۲ درصد دارای میزان دینداری زیاد هستند.

همچنین داده‌های جدول شماره ۳ که توزیع فراوانی و درصد میزان تعلق مکانی میان ساکنان مسکن مهر فولاد شهر را نشان می‌دهد، بیانگر این است که ۱۵۲ نفر، برابر با ۳۹/۸ درصد دارای میزان تعلق کم، ۱۱۵ نفر، برابر با ۲۹/۹ درصد دارای میزان تعلق متوسط، ۱۱۶ نفر، برابر با ۳۰/۲ درصد دارای میزان تعلق مکانی زیاد هستند.

جدول شماره (۳). توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش

متغیر	میزان متغیرها	تعداد	درصد	درصد تجمعی
میزان رضایت از زندگی	کم	۸۶	۲۲/۴	۲۲/۴
	متوسط	۱۹۹	۵۱/۸	۷۴/۲
	زیاد	۹۹	۲۵/۸	۱۰۰
	کل	۳۸۴	۱۰۰	
میزان سرمایه اجتماعی	کم	۱۴۷	۳۸/۳	۳۸/۳
	متوسط	۱۵۰	۳۹/۱	۷۸/۲
	زیاد	۸۳	۲۱/۶	۱۰۰
	کل	۳۸۰	۱۰۰	
میزان دینداری	کم	۱۴۴	۳۷/۹	۳۷/۹
	متوسط	۱۴۹	۳۹/۹	۷۷/۸
	زیاد	۸۵	۲۲/۲	۱۰۰
	کل	۳۷۸	۱۰۰	
میزان تعلق مکانی	کم	۱۵۲	۳۹/۸	۳۹/۸
	متوسط	۱۱۵	۲۹/۹	۶۹/۸
	زیاد	۱۱۶	۳۰/۲	۱۰۰
	کل	۳۷۶	۱۰۰	

تحلیل استنباطی

چنانچه از یافته‌های جدول شماره (۴) بر می‌آید، میان جنسیت و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار نیست. یافته‌های قهرمان (۱۳۸۹) هم یافته‌های ما را تأیید می‌کند. اما یافته‌های بخشی‌پور (۱۳۸۷) حاکی از آن است که بین جنسیت و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است و دختران در مقایسه با پسران از رضایت بالاتری برخوردارند. براساس جدول شماره ۴ بین وضعیت تأهل و رضایت از زندگی در سطح معناداری (۰/۰۰۰) و $t=-7/138$ رابطه معنادار و منفی برقرار است. میانگین‌ها نشان می‌دهند که به میزان

افزایش تأهل در میان ساکنان، میزان رضایتمندی کاهش خواهد یافت. یافته‌های عظیمی هاشمی (۱۳۸۳) نیز مؤید یافته‌های ماست.

جدول شماره (۴): سنجش رابطه وضعیت تأهل و جنسیت با رضایت از زندگی

سطح معناداری	مقدار T	میانگین	فراوانی	نام متغیر	
۰/۰۰۰	-۷/۱۳۸	۴۶/۳۹	۱۲۳	مجرد	رضایت از زندگی
		۵۷/۶۷	۲۵۵	متاهل	
۰/۷۰۲	۰/۳۸۲	۵۳	۱۸۴	زن	رضایت از زندگی
		۵۴/۳۲	۲۰۰	مرد	

نتایج جدول شماره (۵) بیانگر آن است که بین سن و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است. این رابطه مثبت است ($R=۰/۲۱۷$) بدین معنا که هرچه سن پاسخگویان افزایش می‌یابد، میزان رضایت از زندگی هم افزایش می‌یابد.

مطابق جدول شماره (۵) بین درآمد خانواده و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است. این رابطه منفی است ($R=-۰/۶۳۱$) بدین معنا که خانواده‌های با درآمد بالا در مقایسه با خانواده‌هایی که درآمد کمتری داشتند، رضایتمندی کمتری از خود نشان می‌دادند. همچنین هزینه‌های خانواده نیز با رضایت از زندگی رابطه منفی و معناداری دارد ($R=-۰/۵۱۷$). بدین معنا که خانواده‌های با هزینه بالا در مقایسه با خانواده‌هایی که هزینه کمتری داشتند، رضایتمندی کمتری از خود نشان می‌دادند.

جدول شماره (۵): سنجش رابطه سن، درآمد و هزینه خانواده با رضایت از زندگی

سطح معناداری	همبستگی	انحراف معیار	میانگین	سن
۰/۰۰۰	۰/۲۱۷	۱۱/۰۵	۳۲/۳۱	سن
۰/۰۰۰	-۰/۶۳۱	۴۸۲۰۰	۹۰۱۰۰۰	درآمد خانواده
۰/۰۰۰	-۰/۵۱۷	۴۴۷۰۰	۷۲۰۰۰۰	هزینه خانواده

براساس جدول شماره (۶)، نتیجه آزمون f با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین محل تولد پاسخگویان با رضایت از زندگی آنها مشاهده

می‌شود. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، بالاترین میانگین میزان رضایت از زندگی در بین کسانی است که محل سکونت قبلی آنها روستا بوده و هم اکنون ساکن مسکن مهر هستند و بعد به ترتیب کسانی که محل سکونت قبلی‌شان شهرستان و مرکز استان است.

جدول شماره (۶): آزمون رابطه بین محل سکونت قبلی با رضایت از زندگی

متغیر وابسته	محل سکونت قبلی	میانگین	انحراف استاندارد	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رضایت از زندگی	مرکز استان	۵۰/۰۶	۱۶/۵۶	۹۰۹۶۹	۲۱۳/۷۰۴	۲۱/۷۰۲	۰/۰۰۰
	شهرستان	۵۴/۵۳	۱۲/۹۰				
	روستا	۶۴/۸۳	۱۳/۱۵				

جدول شماره (۷): متغیر رضایت از زندگی بر حسب تحصیلات

متغیر وابسته	آزمون تعقیبی	محل سکونت
رضایت از زندگی	LSD سطح معناداری ۵ درصد	مرکز استان
		شهرستان
		روستا

جدول شماره (۷): بیانگر آن است که دو به دو، بین مرکز استان با روستا، شهرستان با روستا و ... رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی همچنان که در جدول شماره (۸) قابل مشاهده است، نتیجه آزمون f با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین سطح تحصیلات پاسخگویان با رضایت از زندگی آنها مشاهده می‌شود. همانگونه که ملاحظه می‌گردد، بالاترین میانگین میزان رضایت از زندگی در بین کسانی است که سطح تحصیلات آنها کاردانی و سطح حوزوی است، اما کمترین میزان رضایت از زندگی در میان دارندگان تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری است. از یافته‌ها چنین می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش سطح تحصیلات، میزان رضایت از زندگی کاهش می‌یابد.

جدول شماره (۸): آزمون رابطه بین سطح تحصیلات با رضایت از زندگی

متغیر وابسته	سطح تحصیلات	میانگین	انحراف استاندارد	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رضایت از زندگی	دیپلم و زیر دیپلم	۵۵/۲۸	۱۴/۳۶	۹۰۶۹۶	۱۶۹/۴۰۱	۲۶/۳۹۳	/۰۰۰
	کاردانی	۶۸/۰۵	۹/۹۴				
	کارشناسی	۵۵/۷۹	۱۳/۱۴				
	کارشناسی ارشد	۴۰/۹۵	۱۴/۰۹				
	دکتری	۲۵/۲۵	/۴۶۲۹				
	حوزوی	۶۷/۴۴	۲/۷۴				

برای پی بردن به اینکه کدام یک از سطوح در میزان رضایت از زندگی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون تعقیبی استفاده شده است. جدول بالا بیانگر آن است که دو به دو، بین سطح تحصیلات دیپلم با کارشناسی ارشد و دیپلم و دکتری و همچنین بین کارشناسی با ارشد و کارشناسی با دکتری و ... رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۹): نتایج آزمون تعقیبی متغیر رضایت از زندگی بر حسب تحصیلات LSD

سطح تحصیلات	آزمون تعقیبی	متغیر وابسته
دیپلم	LSD سطح معناداری ۵ درصد	رضایت از زندگی
کارشناسی		
کارشناسی ارشد		
دکتری		
حوزوی		
ارشد، دکتری		
ارشد، دکتری		
دیپلم، کارشناسی، دکتری و حوزوی		
دیپلم، کارشناسی، دکتری و حوزوی		
دکتری		

داده‌های جدول شماره (۱۰) حاکی است که بین رضایت از زندگی با متغیر تعلق مکانی با ۹۹٪ اطمینان رابطه مثبت و معناداری برقرار است ($r=0/593$) بدین معنا که هرچه افراد ساکن نسبت به مکان سکونتی خود تعلق کارکردی و احساسی بیشتری داشته باشند، به

همان میزان رضایتمندی بیشتری دارند. داده‌های ماجدی و لهسایی‌زاده (۱۳۸۵) نیز یافته‌های ما را تایید می‌کند.

جدول شماره (۱۰): سنجش رابطه بین تعلق مکانی و رضایت از زندگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته
تعلق مکانی	رضایت از زندگی
	۰/۵۹۳*

Sig =<۰/۰۵

نتایج جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که بین میزان دینداری با رضایت از زندگی با ۹۹٪ اطمینان رابطه مثبت و معناداری برقرار است ($t=۰/۲۹۳$). بدین معنا که با افزایش میزان دینداری، سطح رضایتمندی از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. از میان تمام ابعاد دینداری، بعد مناسکی بیشترین ارتباط را با رضایت از زندگی دارد و بعد از آن به ترتیب ابعاد اعتقادی، عاطفی و پیامدی بیشترین ضریب همبستگی را نشان می‌دهند.

جدول شماره (۱۱): سنجش رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی

همبستگی	دینداری	بعد اعتقادی	بعد عاطفی	بعد مناسکی	بعد پیامدی
رضایت از زندگی	۰/۲۹۳*	۰/۴۸۴	۰/۲۵۵	۰/۵۳۸	۰/۲۵۰

Sig =<۰/۰۵

مطابق جدول شماره (۱۲) بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری برقرار است. این رابطه مثبت است ($t=۰/۶۸۶$). بدین معنا که هرچه میزان سرمایه اجتماعی بین ساکنان افزایش یابد، رضایت از زندگی هم افزایش خواهد یافت. از میان تمام ابعاد سرمایه اجتماعی، بعد مشارکت اجتماعی بیشترین ارتباط را با رضایت از زندگی دارد و بعد به ترتیب ابعاد اعتماد و حمایت اجتماعی بیشترین ضریب همبستگی را نشان می‌دهند.

جدول شماره (۱۲): سنجش رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی

حمایت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی	همبستگی
۰/۴۳۹	۰/۷۷۸	۰/۷۱۴	۰/۶۸۶*	رضایت از زندگی

Sig=<۰/۰۵

تحلیل رگرسیون

در بررسی روابط آماری فرضیات مختلف تحقیق، متغیرها به صورت دو به دو مورد تحلیل قرار گرفتند؛ حال برای مطالعه تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و در این تحلیل از روش گام به گام^۱ کمک گرفته ایم.

جدول شماره (۱۳): نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره

R²	Sig	T	Beta	B	
۰/۶۰	۰/۰۰۰	۹/۶۲۶	۰/۴۳۰	۲/۱۸۵	مشارکت اجتماعی
۰/۷۱	۰/۳۰۰	-۲/۹۷۰	-۰/۱۵۲	-۰/۰۰۵	درآمد خانواده
۰/۷۵	۰/۰۰۰	۱۰/۳۱۲	۰/۳۰۱	۰/۶۲۵	تعلق مکانی
۰/۷۷	۰/۰۰۰	-۵/۲۲۳	-۰/۱۲۵	۰/۷۶۶	سطح تحصیلات
۰/۷۸	۰/۰۳۰	-۲/۱۷۸	-۰/۱۰۸	-۰/۰۰۴	هزینه خانواده
۰/۷۹	۰/۰۰۰	۵/۷۷۹	۰/۱۶۷	۰/۴۹۴	بعد پیامدی
۰/۷۹	۰/۰۰۲	۳/۰۵۶	۰/۰۸۵	۱/۸۶۶	محل سکونت قبلی
۰/۷۹	۰/۰۰۰	۳/۳۶۰	۰/۱۲۱	۳/۷۶۲	تاهل
۰/۸۰	۰/۰۰۹	۲/۶۱۵	۰/۰۸۰	۱/۰۴۳	سن
۰/۸۰	۰/۰۰۳	۳/۰۳۳	۰/۰۹۵	۰/۴۸۷	بعد اعتقادی
۰/۸۱	۰/۰۱۷	۲/۳۹۵	۰/۰۹۸	۰/۵۷۴	اعتماد
Constant= ۴۸/۵۷ F=۲۴۳/۱۴ Sig=۰/۰۰۰					

همانگونه که در جدول آمده است، از میان متغیرهایی که وارد این معادله شدند، ۱۱ متغیر باقی می ماند که به ترتیب عبارتند از: مشارکت اجتماعی، درآمد خانواده، تعلق مکانی، مقطع تحصیلی، هزینه خانواده، بعد پیامدی، محل تولد، وضعیت تأهل، سن، بعد اعتقادی و اعتماد اجتماعی. همانگونه که مشاهده می شود این متغیرها توانسته اند در مجموع ۸۱ درصد ($R^2=0/81$). از متغیر وابسته را تبیین کنند و بنابراین ۱۹ درصد این تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای پژوهش تبیین نشده است. مقادیر به دست آمده برای بتا، بیانگر آن است که بجز متغیر درآمد و هزینه خانواده و سطح تحصیلات، دیگر متغیرهای ذکر شده با متغیر وابسته رابطه مثبت و مستقیم دارند. همانگونه که ملاحظه می شود، از میان متغیرهای مستقل، متغیر مشارکت اجتماعی، درآمد خانواده و تعلق مکانی بالاترین قدرت تبیین کنندگی را دارا هستند.

نتیجه گیری

در این مقاله نویسندگان به دنبال سنجش میزان رضایت از زندگی در میان ساکنان مسکن مهر فولادشهر اصفهان بوده اند. پژوهشگران با استفاده از تکنیک پرسشنامه شروع به جمع آوری اطلاعات در بین دانشجویان نموده اند. نتایج حاصل از تحلیل متغیرها که با استفاده از نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ انجام شده بیانگر آن است که میزان رضایت از زندگی ۲۴ درصد از پاسخگویان کم، ۳۹/۱ درصد متوسط و ۲۵/۸ درصد زیاد است. براساس یافته های این پژوهش بین جنسیت و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین سن، هزینه خانواده و همچنین درآمد خانواده رابطه معناداری وجود دارد. یافته های محسنی و صالحی (۱۳۸۲) نتایج ما را تأیید نمی کنند، به طوری که در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که: افراد دارای سطح درآمد بالا، بیشترین رضایت از زندگی را دارند و افراد دارای سطح درآمد پایین، با وجود اینکه اکثریت سنجی افراد جامعه را تشکیل می دهند، در شاخص رضایت از زندگی در کمترین جا قرار گرفته اند.

^۱ SPSS

تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که رابطه میان درآمد و رضایت از زندگی رابطه پیچیده‌ای است. ظاهراً در درون کشورها، افراد ثروتمندتر بیش از افراد فقیر از زندگی خود رضایت دارند. در بین کشورها نیز وضع به همین منوال است، اما تفاوت بین کشورها کمتر از درون کشورهاست. به رغم ارتباط معنادار بین رضایت از زندگی و درآمد، تحقیقات طولی نشان داده‌اند که افزایش درآمد افراد الزاماً به افزایش رضایت از زندگی نمی‌انجامد، برای مثال، میزان رضایت از زندگی آمریکایی‌ها قبل و بعد از جنگ جهانی دوم، به رغم اینکه در طول این دوره درآمد افراد رشد قابل توجهی کرد، افزایش نیافت (سوزا و لابومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۳). علاوه بر این، هرچه کشوری فقیرتر باشد، همبستگی قوی‌تری بین درآمد و میزان رضایت از زندگی در آن مشاهده می‌شود (برزگر مروستی، ۱۳۸۶: ۳۶).

در این مطالعه بین محل سکونت قبلی و رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود داشت. کسانی که قبلاً در روستا زندگی می‌کردند در مقایسه با کسانی که در شهرستان و مرکز استان زندگی می‌کردند از زندگی خود رضایت بیشتری داشتند.

همچنین در این مطالعه بین سطح تحصیلات و رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود داشت بدین معنا که با افزایش سطح تحصیلات، رضایت از زندگی کاهش پیدا می‌کرد. این در صورتی است که یافته‌های اینگلهارت (۱۳۷۳، ۲۵۹) و محسنی صالحی (۱۳۸۲، ۶۳) تأکید دارند که با افزایش سطح تحصیلات، میزان رضایت از زندگی افزایش می‌یابد و برعکس. رابطه تحصیلات به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با رضایت از زندگی در تحقیقات بسیاری بررسی شده است. به اعتقاد اینگلهارت افراد تحصیل کرده‌تر از زندگی‌شان راضی‌تر هستند، اما این تفاوت اندک است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۵۹). سوزا و لابومیرسکی معتقدند که در مجموع محققان بر این عقیده‌اند که بین رضایت از زندگی و تحصیلات، رابطه اندکی وجود دارد و حتی هنگامی که متغیرهای شغل و درآمد کنترل می‌شود، این رابطه ناپدید می‌گردد. علاوه بر این، رابطه بین تحصیلات و رضایت از زندگی در افراد و کشورهای فقیرتر بیشتر است اما تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که در جوامع مرفه، افراد دارای تحصیلات عالی تا اندازه‌ای از زندگی‌شان ناراضی‌اند (سوزا و لابومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۵). در ایران نیز

نشان داده است که هرچه سواد و تحصیلات پایین تر است، میزان رضایت کمتر است. با افزایش تحصیلات میزان رضایت نیز افزایش می‌یابد، به طوری که با وجود محدود بودن دامنه تغییرات، بیسوادان کمترین و صاحبان تحصیلات دانشگاهی بیشترین رضایت را نشان داده اند (محسنی و صالحی، ۱۳۸۲: ۶۳).

در این پژوهش بین تعلق مکانی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان تعلق مکانی بیشتر، رضایت از زندگی هم بیشتر. دل بستگی به مکان و احساس تعلق به آن، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیا و نوسازی همه جانبه محیطهای خانگی و محلی پردازند. احساس تعلق و مشارکت می‌تواند زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی فراهم سازد و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (فکوهی، ۱۳۸۹؛ مطلبی، ۱۳۸۳؛ افروز، ۱۳۸۳).

همچنین بین دینداری و رضایت از زندگی رابطه وجود دارد و این رابطه مثبت است به این معنا با افزایش میزان دینداری، میزان رضایت از زندگی هم افزایش پیدا می‌کند. از دیگر پژوهش‌های موید رابطه دینداری و رضایت از زندگی می‌توان به الیسون^۱، ۱۹۹۱؛ گریلی^۲ و هونت^۳، ۲۰۰۶؛ لیم^۴ و پاتنام، ۲۰۱۰؛ بخشی پور رودسری، ۱۳۸۷ اشاره کرد. گرایشهای مذهبی به طور مستقیم با رضایت از زندگی رابطه دارد. در مورد شادی و سرور (که با رضایت از زندگی رابطه تنگاتنگی دارد) دین اسلام فرامینی دارد. اسلام بر خلاف نظر برخی افراد نه تنها مخالف شادی نیست بلکه شادی را ستوده و حتی روزهای خاصی را مخصوص عید و شادمانی می‌داند، سحرخیزی، دعا به هنگام شب، استفاده از رنگهای شادی‌بخش مانند رنگ زرد و صبر و تسلیم در برابر رضای خدای بزرگ از دیگر عوامل

1 Ellison
2 Greeley
3 Hount
4 Lim

موثر در شادکامی در دین مبین اسلام معرفی می‌شوند. این متغیرها می‌توانند در ادراک فرد از رضایت از زندگی دخیل باشند(عبدا...پور و دیگران، ۱۳۹۰:۱۴۳).

از دیگر نتایج این تحقیق، رابطه مثبت و معنادار بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی است. همچنان که در بخش تحلیل رگرسیون مشاهده گردید مشارکت اجتماعی که یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود بالاترین قدرت تعیین‌کنندگی را داشته است. تحقیقات بسیار نیز نشان داده‌اند که روابط اجتماعی بالا (به عنوان یکی از معرف‌های سرمایه اجتماعی)، همبستگی بالایی با سطوح بالای رضایت از زندگی دارد. برای مثال فردی که می‌تواند نام پنج نفر یا بیشتر را به عنوان دوستانش ذکر کند، راضی‌تر از کسی است که دوستان چندانی ندارد(سوزا و لایومیرسکی، ۲۰۰۱:۲۲). ماجدی و لهسایی زاده(۱۳۸۵) نیز در تحقیقی به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در روستاهای فارس پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان داده است که سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد.

پیشنهادها

کلیدی‌ترین پیشنهاد این پژوهش، جلب توجه سیاستگذاران به اهمیت حیاتی متغیرهای اجتماعی و جامعه‌شناختی قبل از اجرای پروژه‌ها، در حین و بعد از اجرای پروژه‌هاست. چراکه عدم توجه به این متغیرها می‌تواند مولد آسیب‌های اجتماعی، روانی و... گردد.

توجه به محل سکونت قبلی در زمان تحویل مسکن مهر از نکات مهم برای کاهش یا افزایش میزان رضایت از زندگی است. زندگی در روستا ارزش‌های خاصی را با خود به یدک می‌کشد که زندگی در شهر لزوماً آنها را به همراه ندارد و برعکس.

سعی در تقویت و افزایش میزان دینداری مردم خود می‌تواند در رضایتمندی از زندگی و سلامت روان تأثیر بسزایی بگذارد.

رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی در تحقیقات دیگر و این تحقیق تصریح شده است؛ بنابراین توجه به سرمایه اجتماعی و ابعاد آن ضروری به نظر می‌رسد، خصوصاً

اینکه سرمایه اجتماعی یکی از عمده‌ترین شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود که فقدان آن روند توسعه را خطرپذیر می‌کند.

احساس تعلق به مکان و توجه به آن از اقدامات ضروری دیگر در روند اجرای مسکن مهر برای رضایتمندی ساکنان است. اگر در زندگی تعلق به دیگری و تعلق به مکان وجود نداشته باشد یعنی رابطه درست انسانی - فرهنگی بین محیط خانه و محیط پیرامونی برقرار نباشد، پیوستگی جدی اجتماعی و فرهنگی پدید نمی‌آید و هویت جمعی نیز شکل نمی‌گیرد.

نهایتاً اینکه اولاً توجه به نتایج پژوهشها در حیطه مسکن مهر و ثانیاً تشویق به انجام پژوهش در دیگر متغیرهای اجتماعی و سنجش آن در مسکن مهر پیشنهادی است که نقش آن در مرتفع ساختن آسیبها بر هیچ کس پوشیده نیست.

منابع

- اخوان خرازی، کامیار. (۱۳۸۷). «رویکرد تحلیلی به ضرورت توجه به فرهنگ جوامع»، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان، صص ۶۲-۵۱.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۳). *روانشناختی ضرورت طراحی برنامه فرهنگی - اجتماعی مبتنی بر خانواده و محله*، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، صص ۲۰۶-۱۹۵.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). *دین‌پژوهی*، ترجمه بهالدین خرمشاهی، تهران: نشر کویر.
- ایران محبوب، جلیل. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی شهری*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

- اوتق، نازمحمد. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر گنبد کاوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بخشی‌پور رودسری، عباس. (۱۳۸۷). رابطه رضایت از زندگی، سبک مسأله‌گشایی و نگرش مذهبی با سلامت روان، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، شماره ۳، صص ۱۹-۱.
- برزگر مروستی، فاطمه. (۱۳۸۶). سنجش میزان احساس خوشبختی شهروندان تهرانی و عوامل مؤثر بر آن، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء.
- ترنر، جاناتان، اچ و بیگلی، ال. (۱۳۷۱). پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: نشر دانشگاهی.
- توسلی غلامعباس و مرضیه موسوی. (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۱-۳۲.
- خوارزمی، شهیندخت. (۱۳۸۶). مهارتهای زندگی: «کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی». همشهری آنلاین. [Http://www.hamshahri online.ir/ categories](http://www.hamshahri online.ir/ categories).
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۵). رویکردی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زیمل، جرج. (۱۳۷۲). «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۳، صص .
- سلیمانی، براتعلی. (۱۳۷۳). بررسی رضایتمندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). **تعهد مذهبی و تعلق سیاسی**، نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۲۲-۳.
- طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۰). «**عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دینداری در میان دانشجویان دختر**»، نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۹۶-۷۷.
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن. (۱۳۷۸). **تحولات فرهنگی در ایران**، تهران: نشر روشن.
- عبدالله پور، نازی و اقدام، مهدی، میر روح‌الله و قلی‌زاده، حسین و علی اشرف زکی زینب. (۱۳۹۰). «**رابطه بین دینداری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز**»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱۵۳-۱۴۱.
- عظیمی هاشمی، مژگان. (۱۳۸۳). «**رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش آموزان متوسطه شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۴، ۵، ۷ مشهد**»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره، صص ۱۱۶-۸۳.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۹). **همسازی و تعارض در هویت و قومیت**، تهران: نشر گل آذین.
- قهرمان، آرش. (۱۳۸۹). «**بررسی مفهوم رضایت از زندگی و سنجش آن در میان دانشجویان دختر و پسر**»، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۴، صص ۱۰۶-۸۱.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۰). **مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری**، نشریه علمی - پژوهشی صدف، سال ۱۳۸۰ شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸.
- ماجدی، سید مسعود و لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). **بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، «سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی»**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، صص ۹۱-۱۳۵.

- محسنی، منوچهر و صالحی، پرویز. (۱۳۸۲). *رضایت اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات آرون.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۳). «*رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله‌ای*»، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، تهران: صص ۷۴-۱۱۰.
- ویلم، ژان پل. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- Amanda, W&. Et all. (2011). "A Tale of Two Scales: Evaluating the Relationship Among Life Satisfaction, Social Capital, Income, and the Natural Environment at Individual and Neighborhood Levels in Metropolitan Baltimore." *Environment and Behavior*. Vol.43,pp 3– 25.
- Bourdieu,p.(1986)“Forms of Capital” in Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Richards (ed). *New York: Greenwood Press*.
- Carr, A. (2004). *Positive Psychology*. Hove and New York: Brunner-Routledge.
- Coleman, James. 1988. “Social Capital in the Creation of Human Capital”, *American Journal of Sociology* 94 (Supplement): P. 95-120.
- Cummins,R.A.(2000),”objective and subjective quality of life: an interactive model”,*social indicators Research*,Vol.52.No.1pp.130-503.
- Diener, E. (1984).”Subjective well-being”. *Psychological Bulletin*, 95, 542-575.
- Dinner,E& Biswas-Dinner,R.(2002),”Will money increase subjective well being?Aliterature review and guid to needed research”, *social indicators Research*,Vol.57.No.2,pp.69-119.
- Donovan, Nick, David Halpern, and Richard Sargeant.(2002) *Life Satisfaction: The State of Knowledge and Implications for Government*. London, UK: Cabinet Office Strategy Unit.
- Easterlin,R.A. & Angelescu,L.(2007),”Modern economic growth and quality of life:cross sectional and time series evidence” working paper[67],Law school, *university of southern colifornia, Los Angles,CA*,12April, available at:<http://law.bepress.com>.
- Ellison, Christopher G. 1991. “Religious Involvement and Subjective Wellbeing.” *Journal of Health and Social Behavior* 32:80–99.
- Frank,B. & Enkawa,T(2009),”Dose economic growth enhance life satisfaction? The case of Germany”.*International journal of sociology and social policy*, vol.29 No.718, pp313-329.
- Glock, Charles, Y. and Rodney Stark(1965): *Rligion and Society in Tention*, *Chicago: Rand MC Nally*.

- Greeley, Andrew and Michael Hount. 2006. "Happiness and Lifestyle among Conservative Christians." Pp. 150–61 in *The Truth about Conservative Christians*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Halpern, D. (2005). *Social Capital*, London Press.
- Inal, sepra & Etal .(2007). The Links Between Health-Related Behaviours & Life Satisfaction In Elderly Individuals Who Prefer Insitutional Living, BMC. Health, Services Research. Department Of Public Health, Turkey, Istanbul, 7, pp, 1-13.[Http://www.Biomed Central.com](http://www.Biomed Central.com)
- Kraus,E.(1985),"The feeling of low quality of life and industrial progress: are theylinked?" *International Journal of sociology and social policy*, vol.5 No.3.,pp29-43.
- Krause, Neal. 2003. "Religious Meaning and Subjective Well-Being in Late Life." *Journal of Gerontology: Social Sciences* 58B:S160–S170.
- Lackland, Sam(2001):"satisfaction with life Among international students: an Exploratory study", *social indicators Research*,Vol.53,pp.315-337.
- Lim, Chaeyoon & Robert D. Putnam(2010). "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction", *American Sociological Review* 75(6) 914–933.
- Ostrom, E. (1999). "Social capital: A fad or a fundamental concept?" In P. Dasgupta & I. Serageldin (Eds.), *Social capital: A multifaceted perspective* (pp. 172-214). Washington DC: World Bank.
- Oswald, A.J. (1997), "Happiness and economic performance", *The Economic Journal*, Vol. 107No. 445, pp. 1815-31.
- Payton,M.(2003)."Influence of place attachment and social capital on action: A study at sherburne national wildlife refuge", master thesis, *university of Minnesota*, Minnesota.
- Putnam, R.D. (2001), Community-based Social Capital and Educational performance, in Ravitch, Dian & Viteritte, Joseph. (ed), *Making Good Citizens: Education and civil Society*, New Haven CT, Yale University Press.
- Putnam, R.(1995). *Democracy in America at Century end*. In A. Haden us (Ed.), *Democracy Victory and Crisis*, New York: Cambridge University Press.
- Sousa, L., & Lyubomirsky, S. (2001). "Life satisfaction". In J. Wore (Ed.), *Encyclopedia of women and gender: Sex similarities and differences and the impact of society on gender* (Vol. 2, pp. 667-676). San Diego, CA: I.
- Swinyard, W. R.; A. K. Kau & H. Y. Phua (2001), "Happiness, Materialism, and Religious Experience in the U.S. and Singapore", *Journal of Happiness Studies* 2, pp.13-32.
- Whiteford, H. (2000). *Human Capital, Social capital and Mental Health* (WFMH: Third Quarter New Fetter 2000) Copy Right 1998-2000, World Fedration for Mental Health.

- Woolcock, M. (2001). "The place of social capital in understanding social and economic Outcomes". *ISUMA*, 2, pp. 11-17.

